



خاطره ای از دیدار با امام خمینی(ره)

در طول سال های دفاع مقدس چند بار به حضور حضرت امام خمینی(ره) مشرف شدیم. یک بار پس از عملیات فتح المبین به همراه شهید صیاد شیرازی خدمت امام(ره) بودیم. پس از دیدار گروهی فرصتی شد تا تک به تک به دیدار ایشان برویم. من هنگامی که نزد امام خمینی(ره) رسیدم با صدایی آرام خدمت ایشان عرض کردم: خداوند ان شاء... عمر طولانی به شما عطا کند. ایشان بلافاصله با صدای بلند گفتند: «خداوند به شما جوانان عزیز عمر طولانی بدهد تا بتوانید اسلام را یاری کنید» که آن موقع این جمله حضرت امام خمینی(ره) که شخصیتی واقعاً وارسته، شجاع و قاطع و با درایت بودند، شوری در من ایجاد کرد.

چند خاطره از شهید صیاد شیرازی

در دوران خدمت یکی از بهترین خاطراتم آشنایی با شهید صیاد شیرازی از همان اوایل حضور ایشان در جبهه ها بود. چنان که شیفته شخصیت متعالی و خالص ایشان شدم و پس از دوران دفاع مقدس، حتی یک هفته قبل از شهادت هم با ایشان بودم. شهید صیاد شیرازی شخصی بود که به نظر من علاوه بر آن که یک نابغه نظامی بود، شجاع، تترس و بسیار مخلص بود. چنان که در سال هایی که با ایشان همکار بودم وابستگی نداشتن ایشان به دنیا و صبور بودن وی در مقابل مشکلات بارها بر من ثابت شد. یادم هست اولین بار که شهید صیاد شیرازی را دیدم، وی درجه سروانی داشت و در آشوب های کردستان و بحران های ضد انقلاب در این منطقه چنان درایت و رشادتی از خود نشان داده بود که شهید چمران از ایشان به عنوان الگوی ارتشی مخلص نام می برد.

با توجه به این که انقلاب اسلامی به تازگی به وقوع پیوسته بود و برخی مسئولان هنوز معتقد بودند بدنه ارتش قابل اعتماد نیست، شهید چمران چنین اعتقادی نداشت وی به شدت به شهید صیاد شیرازی که ارتشی بود اعتقاد داشت و در جایی در پاسخ به منتقدان وی گفته بود «من پشت سر صیاد شیرازی به نماز می ایستم». بعدها زمانی که شهید صیاد به لطف رشادت ها و شایستگی ها ارتقا یافته و به درجه سرهنگ دومی رسیده بود روزی به جمع ارتشیان لشکر مشهد (لشکر ۷۷ ثامن الائمه(ع)) آمد و برای جمعی از فرماندهان سخنرانی کرد (من آن زمان، درجه سرهنگی داشتم و فرمانده توپخانه بودم). پس از سخنرانی چون از قبل به ایشان ارادت داشتم نزد وی رفتم و از وی سوال کردم که پاسخ شهید صیاد شیرازی به آن سوال هنوز در گوشم است و ارادت مرا به این شهید دوچندان کرد. یادم هست در آن زمان در بدنه نیروهای نظامی افرادی با تظاهر به داشتن اعتقادات اسلامی و در حالی که ظاهری غلط انداز داشتند، عملکردی ضعیف داشتند و در مقابل برخی هم بودند که گرچه در ظاهر چندان به مستحبات پایبند نبودند اما در عمل و در دل عشق به انقلاب و میهن داشتند. من از شهید صیاد شیرازی سوال کردم: هنگام واگذاری مسئولیت و مرافقه کدام یک از این دو گروه شایسته ترند؟ شهید صیاد شیرازی با همان قاطعیت و خلوصی که داشت بلافاصله گفت: «هر کس در عمل برای نظام اسلامی و کشورش دلسوزی می کند همیشه باید در اولویت باشد و ظاهر سازی و ریاکاری شان شایستگی نیست». با این جمله، اعتقاد و ارادت من به شهید صیاد شیرازی دوچندان شد و پس از آن بود که شماره تماس ایشان را گرفتم و ایشان هم شماره تماس مرا گرفت و علاوه بر دیدارهای حضوری در طول سال ها به صورت تلفنی با ایشان در ارتباط بودم. ایشان در اعتقادات هم بسیار شفاف و زلال بود و سعی می کرد کارهایش برای خدا باشد. سال ۷۳ من از خدمت در ارتش بازنشسته شدم و همان طور که گفتیم در زمان بازنشستگی هم هم چنان با ایشان در ارتباط بودم و یکی از افتخاراتم دوستی با شهید صیاد شیرازی است و از وی خاطرات بسیار خوبی دارم که در ذهنم نقش بسته است.

در آغاز مرحله سوم شهید صیاد شیرازی مرا احضار کرد و به من گفت: در این مرحله با تو مسل به امام رضا(ع) باید به دشمن هجوم آورد. این مرحله عملیات هم با اعزام تیپ به همراه یک گردان توپخانه با موفقیت اجرا شد و دشمن یعنی تار و مار شد.

شهید چمران به شهید صیاد شیرازی که ارتشی بود اعتقاد داشت و در جایی در پاسخ به منتقدان وی گفته بود «من پشت سر صیاد شیرازی به نماز می ایستم».

